

رویکرد میان‌رشته‌ای آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی

Interdisciplinarity Approach of Entrepreneurship Education in Higher Education

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۱۰/۱۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۰۵/۰۶

Hossein Khanifar
Rasool Rasaefard
Mehdi Safian Boldaji

حسین خنیفر *
رسول رسایی فرد **
مهدی صفیان بلداجی ***

Abstract: The main goal of this paper is to explain various approaches to entrepreneurship interdisciplinary approach in order to come up with a model for entrepreneurship education. The study question is whether entrepreneurship education domain can be promoted to an interdisciplinary level and what scientific discipline is involved in entrepreneurship education. To answer the study question, the author used quality methodology based on the results of the previous studies. Library study of available sources will bring one to the conclusion that entrepreneurship education consists of two basic approaches: behavioral and interdisciplinary which will give birth to three methods of theoretical, experimental, and interdisciplinary education. The result showed that Interdisciplinary approach can be further divided into supra-disciplinary (science and art), interdisciplinary (sociology, psychology, management, economics and marketing), and intra-disciplinary (knowledge and function) each covering a key aspect of entrepreneurship education. There is a methodology for entrepreneurship education which tries to convey the true concept of entrepreneurship in all three levels to students, and its usefulness has been proven by, at least, two case studies which have been explained in this paper.

چکیده: هدف مقاله حاضر، تبیین رویکرد میان‌رشته‌ای به عنوان رویکردی نوین و مکمل رویکردهای رفتارگرا و ساختارگرا در آموزش کارآفرینی است؛ بنابراین، سؤالات اساسی این است که آیا دامنه آموزش کارآفرینی را می‌توان به سطحی فرارشته‌ای توسعه داد و اینکه چه رشته‌های علمی (میان‌رشته‌ای) در آموزش کارآفرینی دخیل می‌شوند؟ برای پاسخ به سؤالات مذکور از روش فراتحلیل نتایج حاصل از تحقیق‌های پیشین استفاده شده است. در مقاله حاضر سعی شده است تا با مرور منابع عمده و تحلیل نظرات، جمع‌بندی روشن و چارچوبی برای معرفی رویکرد میان‌رشته‌ای آموزش کارآفرینی ارائه شود. یافته‌ها نشان داد که آموزش کارآفرینی تاکنون بر مبنای دو رویکرد رفتارگرا (آموزش تئوریک) و ساختارگرا (آموزش تئوریک و تجربی) بوده است و هر کدام استراتژی و سبک‌های خاصی را پیشنهاد می‌کنند. رویکرد میان‌رشته‌ای که سعی در توسعه آموزش کارآفرینی به سطحی فرارشته‌ای و میان‌رشته‌ای دارد، مکمل دو رویکرد قبل است و دارای گونه‌شناسی فرارشته‌ای (علم و هنر)، میان‌رشته‌ای (جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، مدیریت، اقتصاد و بازاریابی) و درون‌رشته‌ای (دانش و کاربرد) است.

Keywords: Education, Entrepreneurship, Learning, Interdisciplinary, Approach.

واژگان کلیدی: آموزش، کارآفرینی، یادگیری، میان‌رشته‌ای، رویکرد.

* دانشیار دانشگاه تهران

** کارشناس ارشد مدیریت دولتی دانشگاه تهران و عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و

اجتماعی وزارت علوم (مسئول مکاتبات: r. rasaefard@gmail.com)

*** دانشجوی دکتری مدیریت دانشگاه تهران

مقدمه

عوامل محیطی و فردی متعددی بر کارآفرینی تأثیرگذارند (لونبرگ و همکاران، ۲۰۰۶). (استان و گارول، ۲۰۰۶) اما شومپیتر^۱ (۱۹۳۴) با نگرشی متقابل، کارآفرینی را توانایی برهم زدن نظم حاکم بر محیط، اقتصاد و اجتماع می‌داند (هنونن و پوکجوکی^۲، ۲۰۰۶: ۸۲) و نقش کارآفرین آموزش دیده، بیشتر از تأثیرپذیری، تأثیرگذاری بر آنهاست؛ لذا موفقیت در آموزش کارآفرینی، شناخت بنیادین مفهوم آن را می‌طلبد (بروکخاس^۳، ۱۹۹۱). در ارتباط با آموزش، کارآفرینی دارای سه عنصر اصلی اکتسابی است: زیربنای تئوریک و فلسفی، مشخصه‌های شخصیتی و مهارت‌های کلیدی (کوریلسکی^۴، ۱۹۹۵). سه عنصر مذکور نشان می‌دهد که آموزش کارآفرینی صرفاً مبتنی بر نظر نیست و تلفیقی از نظر و عمل را مستلزم است؛ از این رو است که گیب^۵ (۱۹۸۷) آموزش کارآفرینی در قالب مفهوم را ناکافی و یادگیری ذهنی صرف را متهم به ضدشهودی^۶ کرده و یادگیری تجربی را پیشنهاد می‌کند. تئوری‌های یادگیری بر مبنای کار فلانگان^۷ (۲۰۰۰)، یادگیری تجربی کوب^۸ (۱۹۸۴) و اسمیت^۹ (۲۰۰۱)، آموزش کارآفرینانه گیب (۱۹۹۹)، و یادگیری بر مبنای عمل روانز^{۱۰} (۱۹۸۲) از اولین تلاش‌ها برای همراهی نظر و عمل در آموزش کارآفرینی بوده است (رای، ۲۰۰۰) (چنگ و همکاران^{۱۱}، ۲۰۰۹) (هاینس و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۱: ۱۹). با مطالعه فرآیندی تحقیقات و تجربیات آموزش کارآفرینی آشکار می‌شود که ناکارآمدی روش‌های تئوریک باعث شد تا نظام‌های آموزشی در جهت رویکرد تجربی حرکت کنند؛ اما نتیجه، از تغییر در کاربرد عملی تئوری‌های کارآفرینی، فراتر نرفت. آموزش کارآفرینی براساس ماهیت و چشم‌انداز خاص، دانشجویان را پرورش می‌دهد تا فرصت‌های محیطی را در جهت خلق کسب و کار جدید شناسایی کنند و به کارگیرند؛ لذا اولاً توانایی ساختاردهی ذهنی به منظور کاربردی نمودن دانش کسب شده، موضوعی فراتر از یک رشته خاص است، ثانیاً دانشجویان، به سبب انسان بودن از جنبه‌های زمینه‌ای متفاوتی متأثر می‌شوند، ثالثاً

1. Schumpeter
2. Heinonen and Poikkijoki
3. Brockhaus
4. Kourilsky
5. Gibb
6. Anti-intuitive
7. Floangun
8. Kolb
9. Smith
10. Roanse
11. Cheng et al
12. Hynes et al

شناخت فرصت‌های محیطی، نیازمند شناخت علمی و تجربی آنها از منظر سایر زمینه‌های علمی است؛ از این رو، توانایی تحلیل محیط از منظر زمینه‌های علمی و کاربردی متفاوت، پیش‌نیازی اساسی برای آنها است؛ بنابراین، سؤال اول این است که: رویکردها و روش‌های آموزش کارآفرینی کدامند؟، سؤال دوم این است که کدام رشته‌های علمی و چگونه به بهبود آموزش کارآفرینی منجر می‌شوند؟ نویسندگان مقاله حاضر سعی در پاسخ به دو سؤال کلیدی مذکور داشته‌اند که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود؛ از این رو، ابتدا روش انجام تحقیق ارائه می‌شود و سپس ادبیات آموزش کارآفرینی و رویکردهای مربوطه تبیین می‌شود و پس از آن سپس به بحث در باب آموزش میان‌رشته‌ای کارآفرینی و نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها پرداخته شده و در پایان نتیجه‌گیری تحقیق ارائه می‌شود.

روش تحقیق

به منظور پاسخ به سؤالات تحقیق از روش تحلیل یافته‌های تجربی، مبتنی بر داده‌های به دست آمده از نتایج تحقیقات پیشین استفاده شده و سعی شده است تا با مرور منابع عمده و تحلیل نتایج حاصل از پژوهش‌های پیشین، جمع‌بندی روشن و چارچوبی برای معرفی رویکرد میان‌رشته‌ای آموزش کارآفرینی ارائه شود. براساس روش نمونه‌گیری از اسناد، محققان اسناد مورد مطالعه را از میان پژوهش‌های انجام شده از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۱ میلادی و نمایه شده در پایگاه‌های اطلاعات علمی با عضویت دانشگاه تهران (جامعه آماری) انتخاب کرده‌اند. ابتدا مقالاتی بررسی شده که دارای روش تحقیق کیفی بوده‌اند و نیز به منظور اشباع اطلاعاتی از سایر مقالات با روش‌شناسی کمی استفاده شده است. برای دستیابی به داده‌ها، ابتدا ادبیات تحقیق هر مقاله به دقت مطالعه شده و بر اساس میزان و اهمیت اطلاعات جدیدی که در ادبیات تحقیق ارائه داده شده بود فیش‌برداری شد. فیش‌برداری از ادبیات تحقیق تا بدانجا پیش رفت که محققان به اشباع اطلاعاتی رسیدند و یافته‌ها تکراری شد. سپس مقالات براساس هدف و روش تحقیق، مورد مطالعه قرار گرفتند و براساس میزان سودمندی هدف تحقیق و انسجام روش‌شناختی به آنها امتیاز ۱ تا ۵ داده شد تا بتوان به نتایج مربوطه اطمینان حاصل کرد. در این مرحله نیز از نتایج مقالات فیش‌برداری شد. فرآیند مطالعه ادبیات تحقیق و نتایج آنها تا نیل به اشباع اطلاعاتی ادامه یافت و در مجموع ۵۳ مقاله معتبر انتخاب و مورد تحلیل قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل تبیینی یافته‌های تجربی و یافتن ارتباط مفهومی میان نتایج حاصل از تحقیقات

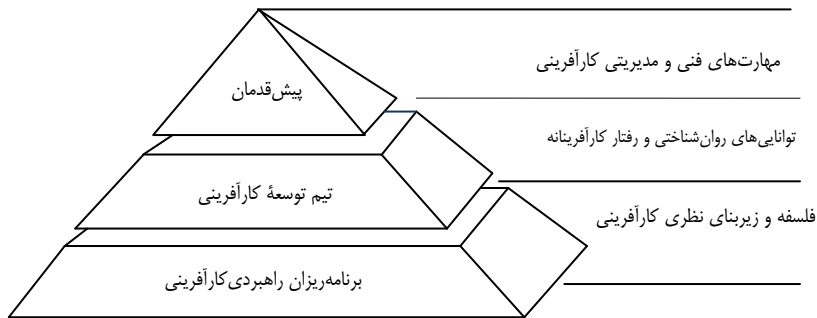
تجربی پیشین استفاده شد. در فرآیند ارتباطیابی، تمام یافته‌های تجربی در پرتو موضوعات محوری و گزاره‌های مورد نظر تحقیق در مجموعه‌ای به هم تافته تحلیل شدند که شامل شناسایی و ارتباطیابی داده‌های تحقیق شامل سه فعالیت اساسی بررسی مطالب درخور مطالعه، گردآوری داده‌های مورد نظر و تحلیل به منظور یافتن وجوه مشترک و مناسب بوده است. در ارتباطیابی مفهومی، نتایج حاصل از تحقیقات تجربی بررسی و ماهیت علمی هر نتیجه تجربی واکاوی شد. در طول واکاوی سعی شد تا هر مطلب و موضوع تازه‌ای بدون پیش فرض و بدون گزینش بررسی و انتخاب شود؛ به طوری که خود داده‌ها جهت بررسی را نشان دهند؛ در نهایت، بر اساس تعداد زیادی از داده‌ها، مقوله‌های مرتبط با رشته علمی خاص تعیین شد؛ به نحوی که متناسب با فحوای هر داده و مفهوم مدّ نظر آن به یکی از رشته‌های علمی مرتبط دانسته شد. در طول مقوله‌سازی داده‌ها بارها خوانده، حدس‌ها، ایده‌ها و تفسیرها نگاشته و ارتباط ساختاری میان انواع داده‌ها استخراج شد و در نهایت و مضمون و مقوله‌هایی که مهم و مرتبط به نظر می‌رسیدند با علائمی مشخص شدند. ماحصل ارتباطیابی مفهومی میان داده‌ها، ساخت مقوله‌ها و سپس تدوین الگویی مبتنی بر استراتژی آموزش میان‌رشته‌ای کارآفرینی بود؛ به طوری که اساس و بنیان چارچوب آموزش میان‌رشته‌ای کارآفرینی ارائه شده در بخش نتیجه‌گیری را شکل داده است.

آموزش کارآفرینی

آموزش کارآفرینی به دنبال مواجهه دولت‌ها و بخش خصوصی با مشکلات اقتصادی ظهورکرد (گارول و استان^۱، ۲۰۰۶) (ون‌دراسلاس^۲، ۲۰۰۸) که علاوه بر تمایل شخصی شخصی به تحلیل و یادگیری، از سه رویکرد اساسی در آموزش منتج شد: (۱) مجموعه‌ای از آموزش‌های مربوط به مدیریت عمومی؛ (۲) بحث‌ها و مناظرات آکادمیک که سعی در افزایش کارایی و بهبود عملکرد سازمان‌ها داشت؛ (۳) بازنگری مفهومی آموزش مدیریت، که تلاش به خلق مهارت‌ها و شیوه‌های جدید از رهگذر تفکر خلاقانه داشت (لتیچ و هریسون^۳، ۱۹۹۹: ۸۴). بحث راجع به تعریف دقیق مفهوم مفهوم آموزش کارآفرینی تا بدانجا پیش رفت که آن را شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های (درون یا بیرون سیستم) دانستند که رسالت آن، پرورش کارآفرینان با

1. Gürol and Atsan
2. Van der Sluis
3. Leitch and Harrison

هدف اولاً درک مبانی و مفاهیم کارآفرینی ثانیاً تقویت توانایی کشف، ارزیابی و استفاده از فرصت‌ها، و ثالثاً مهارت‌های کارآفرینانه و تقویت عوامل تاثیرگذار شخصیتی افراد است (بروکخاس، ۱۹۹۱) (لینان^۱، ۲۰۰۵). براساس هرم اجرا و حمایت از کارآفرینی^۲، آموزش به نحوی است که کارآفرینان در کنار دانش (توان برنامه‌ریزی راهبردی)، دارای توانایی‌های روان‌شناختی (تیم توسعه^۳) و افرادی با مهارت‌های فنی (پیشقدمان^۴) نیز هستند (کاربت، ۲۰۰۵) (کلاز، ۱۹۹۰) (کوریلسکی، ۱۹۹۵: ۱۵-۱۱).



شکل (۱) هرم اجرا و حمایت از کارآفرینی / کوریلسکی، ۱۹۹۵: ۱۲

پیشقدم‌ها، افرادی فرصت‌شناس، ریسک‌پذیر، بحران‌شناس، انطباق‌پذیر، توسعه‌طلب (کاکس^۵، ۲۰۰۳) (سکستون و بومن^۶، ۱۹۸۷: ۳۶) پرسشگر و دارای توان پذیرش کمبود اطلاعات (گراوان و اُسینید^۷، ۱۹۹۴: ۱۴) هستند. تیم توسعه، تعهد و انسجام را در پیشقدمان ایجاد می‌کنند و دارای برخوردی آرام با مشکلات، کنترل درونی، جذاب و مهربان (کارتز و کالینسون^۸، ۱۹۹۹) (سکستون و بومن، ۱۹۸۷: ۳۷) (کرولف^۹، ۲۰۰۵)، دارای توان ایجاد توازن بین وظایف شخصی و سازمانی (ویلسون و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۷)، احترام به عقاید دیگران (گراوان و اُسینید، ۱۹۹۴: ۱۴) و احساس

1. Linan
2. Entrepreneurship Implementation and Support Pyramid
3. Development Team
4. Initiator
5. Cox
6. Sexton and Bowman
7. Garavan and O'Conneide
8. Carter and Collinson
9. Kierulff
10. Wilson et al

مسئولیت نسبت به یادگیری هستند (کارلند^۱، ۲۰۱۰: ۴۲) و برنامه‌ریزان راهبردی تلاش تلاش در خلق زیربنای علمی، فلسفی و ارزشی با مبانی مربوطه دارند (کوریلسکی^۲، ۱۹۹۵: ۱۱-۱۵) (را^۳، ۲۰۰۰: ۱۵۶-۱۴۵) (هیندل و گاتینگ^۴، ۲۰۰۲: ۱۵۶). در مجموع آموزش کارآفرینی می‌بایست ویژگی‌های هر سه سطح را دارا باشد.

۱. رویکردهای آموزش کارآفرینی

فعالیت‌ها در زمینه آموزش کارآفرینی به خلق دو رویکرد اساسی منجر شده است. رویکرد رفتارگرا^۵ که بر مبانی، الگوها، تعاریف، زیربنای فلسفی، یادگیری چهره به چهره، به خاطر سپردن مفاهیم، تکرار و انتقال اطلاعات و دانش تکیه داشت و توانایی دانشجویان را فراتر از یادگیری تئوریک مفاهیم نمی‌برد (کارلند و کارلند، ۲۰۱۰) (کروگر^۶، ۲۰۰۳: ۷۳). رویکرد ساخت‌گرا^۷ بر اساس فلسفه ساخت‌گرایی، با هدف سازمان‌دهی دانش، تحلیل آموزه‌ها، مدل‌سازی کاربردی از مفاهیم تئوریک مبتنی بر خارج نمودن دانشجویان از کلاس درس و یادگیری تجربی تأکید دارد (هاینس و همکاران^۸، ۲۰۱۱) (هنری و همکاران^۹، ۲۰۰۵). رج‌کالت^{۱۰} (۲۰۰۴) معتقد است که رویکرد ساخت‌گرا، از پی همراه شدن آموزش تئوریک و تجربی و از طریق عملی شدن سه اصل ذیل حاصل می‌شود: (۱) انسجام روش‌شناختی، تئوریک و مفهومی (۲) همکاری و هماهنگی و (۳) ترکیب مناسب دو بعد شناختی و عملی (جانسن و همکاران^{۱۱}، ۲۰۰۹) (وست و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۹). رویکرد ساخت‌گرا براساس چرخه یادگیری تجربی کوب (۱۹۸۴) دانشجویان را به کاربرد مدل‌های ذهنی خویش در تجربه‌های فعال تشویق می‌کند (دینزبرگ^{۱۳}، ۲۰۰۸: ۷). به نحوی که باعث تحریک توانایی‌های کارآفرینانه دانشجویان از طریق توسعه خلاقیت، افزایش توانایی تفکر حیاتی (ون‌دراسلاس و همکاران، ۲۰۰۸)، افزایش انگیزش، درک واقعیت با سبک

-
1. Carland
 2. Kourilsky
 3. Rae
 4. Hindle and Cutting
 5. Behaviorist
 6. Krueger
 7. Constructivist
 8. Hynes et al
 9. Henry et al
 10. Rege Colet
 11. Janssen
 12. West et al
 13. Diensberg

کل‌گرا (تاتیلّا، ۲۰۱۰)، چشیدن طعم تلخ شکست و شناخت تمایلات (برنمن^۲، ۲۰۰۵) می‌شود. به عنوان یک اصل کلی می‌توان گفت: رویکرد رفتارگرا، یادگیری پاسخ‌ها و ساخت‌گرا یافتن پرسش‌هاست (وست و همکاران، ۲۰۰۹). بر اساس رویکرد ساخت‌گرا، در آموزش کارآفرینی الگوهایی مطرح شده که به شرح جدول زیر است:

جدول (۱) الگوهای آموزش کارآفرینی بر اساس رویکرد ساخت‌گرا

مدل	یادگیری فرآیندی	خلق ارزش (فرصت‌طلبی)	یادگیری سینرژیک	PROBE	WIL ^۳	یادگیری مسأله‌محور	یادگیری از خطا در عملکرد
نظریه پرداز	هاینس ^۴ (۱۹۹۶)	ون‌ویندر ^۵ و ویک ^۶ (۲۰۰۴)	سبین‌هانر ^۷ و هافمن ^۸ (۲۰۰۲)	نیرنبرگ ^۹ (۱۹۹۴)	گرانوالد ^{۱۰} (۲۰۰۳)	گیب (۱۹۹۳)	پتکوا ^{۱۱} (۲۰۰۹)
شرح	درونداد، فرایند برونداد	شناخت فرصت‌ها (کشف و ارزیابی)، آماده شدن برای بهره‌برداری و بکارگیری فرصت‌ها	همکاری (تعیین مشارکتی، اولویت‌ها)، یادگیری متقابل (تسهیم دانش)، مشاوره (تجزیه و تحلیل و تصمیم‌گیری) عمل جمعی (اجرای جمعی برنامه‌ها)	آموزش کارآفرینی از طریق درگیری در کارها	یک استراتژی آموزشی ساخت‌گرا است که به طور پیشرفته‌ای به منسجم و غنی کردن مطالعات آکادمیک با یادگیری از طریق تجربه‌های خلاق کاری می‌پردازد.	آموزش مورد‌محور زمینه را برای تجربه دنیای واقعی آماده می‌کند و به دانشجویان یاد می‌دهد که چگونه به حل مشکلات و مسائل واقعی بپردازند (مدل تعلیمی)	شرح وظایف شناختی، خلق برونداد، شناخت و تصحیح اشتباه

1. Taatila
2. Breneman
3. Work Integrated Learning
4. Hynes
5. Van Veinder
6. Wakkee
7. Siebenhuner
8. Hoffman
9. Nirenberg
10. Groenewald
11. Pettkova

(کتز^۱، ۲۰۰۸) (کوراتکو^۲، ۲۰۰۵) (لتیچ و هریسون^۳، ۱۹۹۹) (ماو و همکاران^۴، ۲۰۰۸) (مک مولند و وایان^۵، ۱۹۸۷) (اگودان و رزاس^۶، ۲۰۰۶) (پترمن و کندی^۷، ۲۰۰۳) (پتکوا^۸، ۲۰۰۳).

۲. سبک‌های آموزش کارآفرینی

تجربه عینی

	سبک فعال - مجری (تغییر در مهارت‌ها و نگرش‌ها)	سبک انفعالی - مجری (تغییر در کاربرد)	واکنش
تجربه			
فعال	سبک فعال - تئوریک (تغییر در ادراک)	سبک انفعالی - تئوریک (تغییر در دانش)	انفعالی

مفهوم‌سازی ذهنی

شکل (۲) چارچوب مفهومی سبک‌های آموزش کارآفرینی / دریزلر، ۲۰۰۸: ۱۲

اگر روش آموزش را در طول پیوستار میان آموزش تئوریک تا تجربه عینی و میزان دخالت فرد در فرآیند آموزش را در طول پیوستار میان واکنش انفعالی تا تجربه فعال متفاوت ببینیم، چهار سبک آموزش حاصل می‌شود (دریزلر^۹، ۲۰۰۸: ۱۲) (هارکما و هنک^{۱۰}، ۲۰۰۸).

سبک انفعالی - تئوریک^{۱۱}: دانشجویان بعد از یادگیری دانش در جست‌وجوی تأیید آن هستند

سبک انفعالی - مجری^{۱۲}: یادگیری به طور ضمنی و با انجام فعالیت.

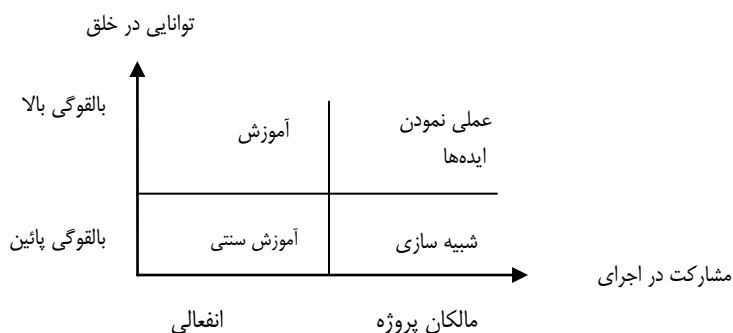
سبک فعال - تئوریک^{۱۳}: تفسیر و تغییر درک از پدیده.

سبک فعال - مجری^{۱۴}: ارتقای نگرش‌ها، مهارت‌ها و قدرت تحلیل شرایط.

1. Katz
2. Kuratko
3. Leitch and Harrison
4. Mao et al
5. McMulland and Wayane
6. Okudan and Rzas
7. Peterman and Kennedy
8. Petkova
9. Dreisler
10. Harkema and Henk
11. Reflective Theorist
12. Rflective Practitioner
13. Active Theorist
14. Active Practitioner

۳. استراتژی‌های آموزش کارآفرینی

بنجامین ماکری^۱ (۲۰۰۱) معتقد است که خرده فرهنگ کارآفرینی در دانشگاه‌ها و استراتژی آموزشی مناسب، به تقویت افراد توسط همدیگر در یک بستر سینرژیک منجر می‌شود (دی‌کروز و همکاران^۲، ۲۰۰۶: ۱۶۱) (جانسن و همکاران، ۲۰۰۷: ۴) (کوریلسکی، ۱۹۹۵: ۹) (برنمن، ۲۰۰۵).



شکل (۳) استراتژی‌های دانشگاه برای آموزش کارآفرینی / راسماسن و سورهمیم، ۲۰۰۶:

۱۸۷

استراتژی‌تعلیمی (آموزش سنتی): بر فراهم کردن اطلاعات و مفاهیم کارآفرینی به منظور تقویت دانش کارآفرینانه دانشجویان تأکید دارد.

استراتژی خلق مهارت (آموزش موردمحور و شبیه‌سازی وقایع): روی فعالیت‌های تیمی، برنامه‌ریزی‌های مالی، تحقیق در بازار، مشکلات و مسائل واقعی در جهت خلق ایده‌های جدید تأکید دارد و روش‌های مورد استفاده اجرای نقش، مطالعه موردی و شبیه‌سازی است.

استراتژی قیاسی، استنتاجی و استقرایی (عملی نمودن ایده‌ها): نه تنها بر اهداف دو استراتژی قبل بلکه به تحلیل محیط از منظر سایر رشته‌های علمی در جهت خلق ایده توسط دانشجویان و عملی نمودن آن تأکید دارد (گراوان و اُسینید، ۱۹۹۴) (هارکما و هنک، ۲۰۰۸) (سورهمیم و راسماسن، ۲۰۰۶).

1. Benjamin Mokry
2. D'Cruz et al

جدول (۲) مقایسه رویکرد رفتارگرا و رویکرد ساخت گر

رویکرد رفتارگرا (آموزش های تئوریک) رویکرد ساخت گرا (آموزش تجربی)	
تجزیه و تحلیل زیاد اطلاعات در تصمیم گیری های حیاتی	تصمیم گیری شهود محور و با اطلاعات کم درک اطلاعات و احترام به ارزش های فراهم، انتقال، ارزیابی کنندگان
درک اطلاعات و بازیابی مجدد اطلاعاتی جمع آوری شده	ارزیابی کنندگان
جست و جو اطلاعات از منبع موثق و متخصصان محروم از کار	یافتن و جمع آوری اطلاعات از منابع متعدد و ارزیابی آنها
بررسی اطلاعات و استعلام صحت با تأیید منابع موثق	حمایت از تصمیم ها بر مبنای قضاوت های شخصی در مورد افراد
ارزیابی کتبی و شفاهی شایستگی ها به طور کامل و دقیق	ارزیابی از طریق بازخورد از منابع شامل افراد و وقایع مختلف
یادگیری در کلاس درس	یادگیری در هنگام و از طریق عمل
یادآوری مجدد و درک اطلاعات و مفاهیم	درک ارزش های افراد تصفیه کننده اطلاعات و مفاهیم
هدف های افراد کاملاً تفکیک شده و غیر مرتبط به هم	درک مجموعه ای از اهداف گسترده و متنوع افراد
جست و جو (تشخیصی) برای تأیید حقایق از طریق اطلاعات	تصمیم گیری بر اساس نگرش معتمد و شایسته بودن افراد
درک اصول بنیادین جامعه از نظر متافیزیکی	جست و جو برای به کارگیری و عملی کردن اصول بنیادین جامعه
جست و جو برای پاسخ های صحیح در محدود زمانی معین	بکارگیری مناسب ترین روش هادر جهت فشار برای تصمیم گیری
جمع آوری تمام اطلاعات از متخصصان و منابع قدرت	جمع آوری همه جانبه شخصی اطلاعات و وزن دهی آنها
یادگیری از طریق گذراندن آزمون های دانش محور	موفقیت در یادگیری از طریق حل مشکلات
تمرکز بر توسعه و پرورش افراد در جهت نتایج خاص	و یادگیری از شکست ها
بیان اهداف در قالب اصطلاحات کلی	تمرکز روی مهارت ها دانش و توانایی و عملکرد شغلی
دوره های آموزش به صورت خاص	اهداف، به طور خاص روشن و آشکار
فرض شکننده و متغیر بودن ارزش ها	دوره های آموزش کوتاه مدت
فعالیت به صورت تحمیل شده و به طور خاص اجباری	فرض نسبتاً پایدار بودن ارزش ها همراه با تأکید بر بهبود آنها
استفاده از سخنرانی، پرورش، مناظره و یادگیری خودمدیریتی	فعالیت بر اساس ارتباط دانش، مهارت و نگرش ها با شغل و اجزای آن
اجرای فعالیت ها برای کسب نتایج حاصل و اکتفا به آنها	استفاده از روش برنامه ریزی، عمل و بازخورد
استراتژی یادگیری دیکته ای و تحکم آمیز	اجرای ماهرانه فعالیت ها به گونه ای که باعث ارتقاء و بهبود شود
آموزش گر به عنوان یک متخصص و تسهیلگر یادگیری	یادگیری با ترکیبی از استراتژی های تحکم، استنتاج و مهارت محور
ارزیابی بر اساس گذشته و شکست های حاصل شده	نقش آموزش دهنده: ساختار دادن، راهنمایی و هدایت
	ارزیابی بر اساس و فراتر از استانداردهای اجرای کار

بحث^۱

کارآفرینی دائما در ارتباط با سایر رشته‌های علمی و دارای بیشترین اصطکاک با آنهاست (هرون و همکاران^۲، ۱۹۹۱) (جانسن و همکاران، ۲۰۰۷: ۶). از این رو، رویکرد آموزش میان‌رشته‌ای^۳ به دانشجویان کمک می‌کند تا حداقل به دو دلیل بتوانند بهتر با پیچیدگی، عدم اطمینان و ابهام روبرو شوند: اول اینکه آموزش میان‌رشته‌ای، ذهن دانشجویان را با بیش از دو ساختار علمی به چالش می‌کشد و دوم اینکه تحت آموزش میان‌رشته‌ای دانشجویان خود را با استانداردهای چند رشته منطبق و به تحلیل نقاط قوت و ضعف موقعیت می‌پردازند (کارلند و کارلند، ۲۰۱۰: ۵۰)؛ کاری که دو رویکرد قبل از انجام آن عاجز بودند؛ بنابراین، رویکرد آموزش میان‌رشته‌ای با هدف وارد نمودن داده‌های محیطی به تحلیل از منظر سایر رشته‌های علمی، سعی در توانمندسازی تحلیلی و شناختی میان‌رشته‌ای دانشجویان دارد.

ماهیت فرارشته‌ای آموزش کارآفرینی

فرارشته‌ای^۴ عبارت است از همراه شدن نظرگاه‌ها و چشم‌اندازهای علمی، فلسفی و معرفتی به منظور رسیدن به شناخت حقیقت، طبیعت و معرفت. فرارشته‌ای روی پدیده‌ها و پرسش‌های بنیادینی متمرکز است که ماهیت فلسفی-معرفتی دارند. پرسش و تأمل در مورد ماهیت انسان، ماهیت نظام‌های دانش، ماهیت علم، ماهیت نظام‌های فکری، جهان‌بینی‌ها و ماهیت حقیقت و واقعیت از موضوعات اصلی فرارشته‌ای است (ابوت^۵، ۲۰۰۶). از این منظر باید گفت چون کارآفرینی در پی خلق ماهیتی جدید است، از این رو به خلق واقعیتی جدید می‌انجامد که خود متکی به نظام فکری خاص است؛ بنابراین، از آنجا که کارآفرینی متشکل از هر دو علم (توانمندی‌های تئوریک) و هنر (تفکر خلاق و نوآورانه) است (هنونن و پوکیچوکی، ۲۰۰۶: ۸۴) مستلزم درکی فرارشته‌ای به آموزش آن است. بر اساس فلسفه ارسطو، هنر، درک حقایق عالم هستی است، و تجربه، کسب دانش در مورد واقعیت‌های عالم هستی است. جایی که سؤال‌ها

۱. برای میان‌رشته‌ای گونه‌های متفاوتی وجود دارد که عبارتند: از فرا، پسا، تکثر، چند، میان، بین و درون‌رشته‌ای که در این تحقیق برحسب ماهیت کارآفرینی از سه نوع فرا، میان و درون رشته‌ای استفاده شده است. الگویی که در اینجا تحت عنوان درون‌رشته‌ای آمده، همان الگوی رج کالت (۲۰۰۴) است که او آن را الگوی میان‌رشته‌ای آموزش می‌داند و مولف بر اساس کاربرد آن بر مبنای آموزش کارآفرینی نام درون‌رشته‌ای را بر آن نهاده است.

2. Herron et al

3. Interdisciplinarity

4. Transdisciplinarity

5. Abbott

بر گرد عمل می‌گردد، تجربه کلید پاسخ‌هاست و جایی که سؤال‌ها بر گرد خرد می‌گردد، هنرکلید پاسخ‌هاست (وست و همکاران، ۲۰۰۹). از آنجا که کارآفرینی دارای ویژگی‌های ناآشکار و کاملاً منحصر به فرد، غیرقابل پیش‌بینی و مشروط به شرایط خاص خود است (جیک و اندرسون^۱، ۱۹۹۹: ۱۱۹) و همچنین دارای هویتی تئوری-کاربردی است، پس آموزش آن دارای ماهیتی به ظاهر معماگونه است (سکستون و بومن، ۱۹۸۷: ۳۷). راز رازآلودی آموزش کارآفرینی را از دو منظر کلیدی علم^۲ و هنر می‌توان بررسی کرد. تحلیل کارآفرینی از منظر هر دو علم و هنر، نگرشی فرارشته‌ای را تقویت می‌کند؛ زیرا هماهنگی بین رشته‌ها و میان رشته‌ها را تبیین می‌کند که به ظهور الگویی شناخت‌شناسانه منجر می‌شود و کلیتی از مفاهیم و روش‌شناسی‌های گوناگون را ارائه می‌دهد که فراتر از رشته‌هاست (استین^۳، ۲۰۰۷: ۹۷).

هنر کارآفرینی: ذات کارآفرینی خلق ارزشی از محیط است که موجود نیست و نه تنها متفاوت با ماهیت ابزاری مدیریت‌گرایی^۴ است، بلکه در حوزه هنر است. نایسبت^۵ (۱۹۷۶) (۱۹۷۶) معتقد است که در جهان ایده‌ها، تبدیل کردن ایده به عمل، خارج از علم‌گرایی است و کاری هنرمندانه است. تیمونس^۶ (۱۹۹۴) معتقد است که منابع کارآفرینی، مانند رنگ و قلم‌مو در دست نقاش است که با مهارت خود اثری هنری را خلق می‌کند. هنر کارآفرینی، قابل کنترل، تابع و رام شدنی نیست و در تقابل با استنتاج‌های عقلایی قرار دارد و ماهیت ذهنی و درونی کارآفرینی است که شومپتر^۷ و آکسمورن^۸ آن را تخریب‌سازنده^۹ می‌نامند (جیک و اندرسون، ۱۹۹۹: ۱۱۹)؛ زیرا برای تبدیل شدن به یک فرد کارآفرین، مهم‌تر اطلاعات، توانایی سازمان‌دهی و ساختاردهی به اطلاعات در جهت خلق ایده‌های کاربردی تازه است. توانایی مدل‌سازی ذهنی از آموخته‌های تئوریک در جهت خلاقیت، کاری هنرمندانه است که باید در ذات هر نظام آموزشی نهفته باشد (کروگر، ۲۰۰۳: ۳۵) (ماتلای^{۱۰}، ۲۰۰۸). از ویژگی‌های هنر کارآفرینی، تصمیم‌های قضاوتی^{۱۱} (شهودی) (جیک و اندرسون، ۱۹۹۹: ۱۱۹) (دینزبرگ، ۲۰۰۸) و یادگیری از طریق ترکیب

1. Jack and Anderson

۲. آنچه در بخش‌های قبل (پیشینه، تبارشناسی، رویکردها) و در بخش‌های میان‌رشته‌ای و درون‌رشته‌ای به تفصیل آمده است، تبیین‌کننده علم کارآفرینی است که به دلیل پیشگیری از اطاله کلام و پرهیز از دوباره‌گویی از آوردن مجدد آنها پرهیز شده است.

3. Stean

4. Managerialism

5. Nisbet

6. Timmons

7. Schumpeter

8. Oxmoron

9. Creative Destructor

10. Matlay

11. Judgmental Decisions

تئوری و عمل خلاق است (هنونن و پوکجوسی، ۲۰۰۶). از منظر آکادمیکی، نمی‌توان دانش و مهارت حاصل از تجربه را به صورت تئوریک آموزش داد (جیک و اندرسون، ۱۹۹۹)؛ زیرا دانشجویان نمی‌توانند به آن‌سوی حقایق آموزش حرکت کنند تا به ساختاردهی دانش کسب شده بپردازند (کروگر، ۲۰۰۳). هنر کارآفرینی دارای هفت ویژگی بنیادین است: یادگیری از مشکلات موجود، ترکیب فعالیت‌های ذهنی و دستی، سلیقه تعامل با دیگران، جست‌وجوی موقعیت‌هایی که به یادگیری کمک می‌کند، تعبیر و تفسیر مشکلات، تصویرسازی ذهنی از واقعیت‌ها، و تلاش برای بهبود توانمندی‌ها در جهت حل مشکلات (سول و پوول^۱، ۲۰۱۰).

جدول (۳) انعکاس مفهوم هنر در تعاریف محققان از کارآفرینی

محقق	
(1995) Wieck	داشتن همبستگی و روابط متقابل، زیربنای آموزش خلاقیت و عمل کارآفرینانه
(2006) Perrini	لزوم داشتن نگرش اجتماعی گسترده در آموزش کارآفرینی
(2000) Erkkila	پرورش افرادی خلاق، ریسک‌پذیر و آرمان‌گرا در فرایند آموزش کارآفرینی
(1995) kourilsky	توانمندکردن دانشجویان برای شناخت بهتر فرصت‌های بازار در فرایند آموزش
(1990) Ronstad	درک آموزش کارآفرینی بعنوان مجموعه‌ای از فرآیندهای کل‌گرا و منسجم
(1982) Livesay	لزوم تأکید برنامه‌های آموزش کارآفرینی بر ویژگی‌های غیرعینی کارآفرینی
(1998) Vidly	مدنظر قرار دادن ماهیت اقتضائی، پیچیده و غیرقابل پیش‌بینی کارآفرینی
(2008) Diensberg	نقش تسهیل‌گری آموزشگر و تأکید بر یادگیری از طریق تجربه
(1985) Gibb	پرورش نگرش‌ها و ارزش‌های کارآفرینانه در دانشجویان
(1987) Gibb	افزایش قدرت تحلیل دانشجویان با تکیه بر منبع درونی اطلاعات و نه بر منابع بیرونی
(1988) Gibb	ترکیب ذهنیت‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌ها به منظور مفهوم‌سازی ذهنی و اجتماعی‌سازی اثربخش
(2000) Phalkung	تقویت روح کارآفرینانه در دانشجویان از طریق همراه شدن برنامه‌های آموزشی با مهارت‌های کلیدی کارآفرینی به منظور خلق قابلیت‌های کارآفرینانه

(آدیت^۲، ۲۰۰۱) (بک^۳، ۲۰۰۸) (کلاوز^۴، ۱۹۹۰) (کوربت^۵، ۲۰۰۷) (دیلوایو^۶، ۲۰۰۸)
 (۲۰۰۸) (فایول^۷، ۲۰۰۷) (فایول و همکاران، ۲۰۰۶) (گاندلاخ^۸، ۲۰۱۰) (حامیدی و همکاران^۹، ۲۰۰۸) (جانز و انگلیش^{۱۰}، ۲۰۰۳)

1. Sewell and Pool
2. Audit
3. Beck
4. Clouse
5. Corbett
6. Dhliwayo
7. Fayolle
8. Gundlach
9. Hamidi et al
10. Jones and English

۲. ماهیت میان‌رشته‌ای آموزش کارآفرینی

میان‌رشته‌ای^۱ از رهگذر ارتباط و همکاری میان چندرشته خاص علمی به تحلیل و بررسی یک رشته علمی خاص می‌پردازد تا از این رهگذر به تبیین و تحلیل ماهیت آن رشته خاص بپردازد و به بسط و شناخت همدیگر کمک کند (استین، ۲۰۰۷). آموزش کارآفرینی بر اساس ماهیتی که دارد قابل تحلیل از منظر رشته‌های علمی روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، مدیریت، بازاریابی، است (ماتلای، ۲۰۰۸) (جانسن و همکاران، ۲۰۰۷: ۷).

روان‌شناسی: گیب (۱۹۹۳) فرآیند حرکت موفق از نگرش‌ها و مهارت‌ها به سمت رفتارهای کارآفرینانه را شامل چهار گام داشتن تمایل، در جست‌وجوی فرصت بودن، تصمیم به تغییر شرایط و خلق فرصت می‌داند (هنونن و پوکجوکوی، ۲۰۰۶: ۸۶). شاپرو^۲ (۱۹۸۲) و همکاران او نیز مدل نیت^۳ را معرفی کردند که تجربه و تأملات روان‌شناختی فرد را زیربنای کشف فرصت‌های کارآفرینانه می‌داند (کروگر، ۲۰۰۳). در بررسی سه جنبه کلیدی روان‌شناختی، یعنی فرد، فرآیند و انتخاب، شاور^۴ و اسکات^۵ بر اهمیت تئوری شناخت اجتماعی^۶ در کارآفرینی تأکید دارند. تحلیل تأثیر تمایلات درونی بر رفتارهای کارآفرینانه، تحلیل شخصیت کارآفرینانه و جنبه‌های شناختی کارآفرینی و توانایی تحلیل رابطه فرد با محیط از جنبه‌های روان‌شناختی است (هرون و همکاران، ۱۹۹۱) (ویلسون و همکاران^۷، ۲۰۰۷) (هنری و همکاران، ۲۰۰۵) (سیکولالینو و همکاران^۸، ۲۰۰۵) (هارکما و همکاران، ۲۰۰۸).

جامعه‌شناسی: کارآفرینی در زمینه‌های اجتماعی روی می‌دهد؛ اما وجود معضلاتی چون تعارض طبقاتی و اختلافات اجتماعی اولاً به اهمیت بالاتر علم اقتصاد (به دلیل تکیه بر تولید انبوه) نزد سیستم‌های دولتی نسبت به جامعه‌شناسی منجر شده و ثانیاً مانع ارزش‌یافتن کارآفرینی در جامعه گردیده است. شناخت نقش دولت در توسعه اجتماعی، توانایی تحلیل شرایط، تبیین الگوی بوم‌شناسی سازمانی، شناخت دقیق ارتباطات کارآفرینانه انسان‌ها، تحلیل رابطه بین مقاطع زمانی در مسیر زندگی با توانایی تصمیم‌گیری صحیح، تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر ویژگی‌های جغرافیایی بر

-
1. Interdisciplinarity
 2. Shapero
 3. Intention Model
 4. Shaver
 5. Scott
 6. Social Cognition Theory
 7. Wilson
 8. Seikkula-Leino et al

کارآفرینی، تحلیل ارتباط شبکه‌های اجتماعی با رفتار کارآفرینانه، تأکید بر نیازهای اجتماعی انسان‌ها، تأکید بر خودکارایی و توانایی‌های شخصی و درک فرهنگ مشارکت اجتماعی، از مهم‌ترین جنبه‌های جامعه‌شناختی کارآفرینی است (هرون و همکاران، ۱۹۹۱) (کرانول و همکاران^۱، ۲۰۰۶) (هنونن و پوکجوک، ۲۰۰۶: ۸۶). از طرف دیگر محققان معتقدند که ویژگی کلیدی کارآفرینی، یعنی خصلت‌های کارآفرینانه، شدیداً متأثر از فرهنگ، خانواده، ارتباطات و آموزه‌های جمعی است (سوفانی و ابراهیم^۲، ۲۰۰۲) (کرولف، ۲۰۰۵)

اقتصاد: کرخوف^۳ بر مبنای تئوری تخریب سازنده^۴ کارآفرینان را مهندسان اقتصاد اقتصاد می‌داند. شناخت فرصت‌های موجود در بازار، توانایی در دستیابی به اطلاعات صحیح در بازار، آگاهی از روابط تکنیکی و علت و معلولی بازار، توانایی در چانه‌زنی اقتصادی و توانایی ورود به زد و بندهای اقتصادی، از مصادیق ورود علم اقتصاد به حوزه کارآفرینی است (هرون و همکاران، ۱۹۹۱)

مدیریت: کار تیمی و مشارکت (دن‌برگ و همکاران^۵، ۲۰۰۳) برون‌سپاری، کوچک‌سازی، برنامه‌ریزی منابع، تأکید بر کارایی و اثربخشی در مدیریت سرمایه، خلق موقعیت‌های سینرژیک و مزایای رقابتی و توانایی ارتباط بر مبنای الگوهای رفتاری مناسب، توانایی تعیین هدف استراتژیک، تحلیل محیط و طراحی، ارزیابی، اجرا و کنترل استراتژی از جمله جنبه‌های مدیریتی کارآفرینی است (هرون و همکاران، ۱۹۹۱) (هنونن و پوکجوک، ۲۰۰۶: ۸۲)

بازاریابی: بازاریابی از طریق تأکید زیادی که بر موارد ذیل دارد، نقش مهمی در آموزش کارآفرینی دارد: هردو فروشنده و مصرف‌کننده، آگاهی از روش‌شناسی تحقیق برای شناخت فرصت‌های موجود در بازار، تشابه رفتار بازاریابی و کارآفرینی، ارائه نوعی بینش نوآورانه، توانایی علمی و تجربی، اهمیت بالای نقش بازاریاب در صنعت، قدرت شناخت فرصت‌های مالی، توانایی در پژوهش‌های مالی موفق، استفاده از تکنولوژی روز و تولید کالای باکیفیت (هرون و همکاران، ۱۹۹۱) (کرولف، ۲۰۰۵) (کرانول و همکاران، ۲۰۰۶).

1. Cranwell et al

2. Ibrahaim and Soufani

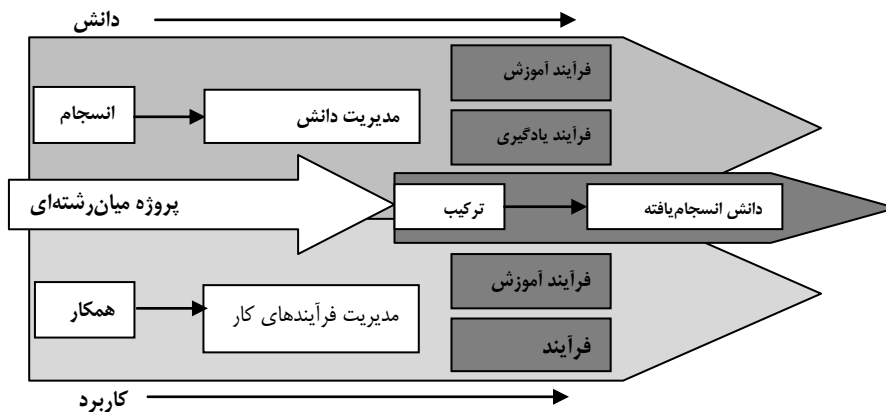
3. Kirchoff

4. Creative Destructor Theory

5. Den berg et al

۳. ماهیت درون‌رشته‌ای آموزش کارآفرینی

آنچه در رویکرد ساخت‌گرا بدان پرداخته شد، تبیین‌کننده ماهیت درون‌رشته‌ای کارآفرینی است. درون‌رشته‌ای^۱ را تلفیقی ویژه برای به‌کارگیری همزمان مفاهیم و روش‌های موجود در یک حوزه علمی برای شناخت یا حل یک مسأله و یا موضوع مشخص می‌گویند (ابوت، ۲۰۰۶). روش‌های سنتی مانند سخنرانی، بررسی پیشینه و برگزاری آزمون و مانند آن به اندازه کافی کارآ نیست (هنونن و پوکجوکوی، ۲۰۰۶: ۸۴). در مدل آموزش رج‌کالت (۲۰۰۴)، اصل انسجام بر همبستگی در ساختار و نگرش در مورد دانش، اصل همکاری بر تعامل و مدیریت مشترک فرآیندهای کاری میان اعضای یک سازمان و بالاخره اصل ترکیب بر تجربه موفق یادگیری تأکید دارد (جانسن و همکاران، ۲۰۰۷: ۹). اما دو چالش اساسی وجود دارد که عبارتند از: یافتن یک زمینه محیطی و تجربی مرتبط با ماهیت درس دانشجو و طراحی طرح درس و سیستم آموزشی که بتواند دانش و مهارت‌های کلیدی لازم را به گونه‌ای مؤثر برای دانشجو نهادینه سازد (هاینس و همکاران، ۲۰۱۱: ۲۰).



شکل (۴) مدل آموزش کارآفرینی رج کالت (۲۰۰۴) / جانسن و همکاران، ۲۰۰۷: ۹

۴. مطالعات تجربی

جانسن و همکاران^۲ (۲۰۰۷)^۳ پژوهشی را با هدف شناسایی میزان انطباق آموزش کارآفرینی در مرکز آموزش کارآفرینی لواین^۴ در کشور بلژیک با الگوی رج کالت

1. Intradisciplinary

2. Janssen

۳. این تحقیق تا سال ۲۰۰۷ ادامه داشته که میان‌رشته‌ای بودن آموزش کارآفرینی فقط بخشی از آن بوده است

4. Louvain

(بعد درون‌رشته‌ای مقاله حاضر) به مدت چهار سال (۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴) انجام دادند. روش تحقیق آنها از نوع توصیفی و ابزار جمع‌آوری آنها پرسشنامه و تحلیل از طریق نرم‌افزار SPSS بوده است. یافته‌های حاصل از تحقیق نشان داد که دانشجویان از عدم استفاده از روش‌های عملی در آموزش کارآفرینی ناراضی هستند و تأکید صرف بر روش‌های تئوریک، موجب بی‌علاقگی آنها به کارآفرینی شده است. آنها مهم‌ترین نتایج حاصل از استفاده صرف از روش تئوریک را عدم توانایی در شناخت فرصت‌های محیطی، عدم انعطاف‌پذیری شخصیتی، عدم رضایت دانشجویان در استفاده از روش آموزش، و عدم توانایی در ارتباط میان آموخته‌های تئوریک با تجربه‌های محیطی معرفی نمودند (جانسن و همکاران، ۲۰۰۷).

تحقیقی از سوی لونبرگ و همکاران^۱ (۲۰۰۶) با هدف شناخت میزان انطباق روش مورد استفاده در مرکز آموزش کارآفرینی دانشگاه ایالت گراندوالی^۲ (بعد میان رشته‌ای مقاله حاضر) با رویکرد میان‌رشته‌ای و نیز تمایل دانشجویان رشته‌های دیگر به کارآفرینی انجام شد. روش تحقیق توصیفی، جامعه آماری ۷۲۸ دانشجو و ابزار جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه الکترونیکی بوده است و داده‌ها به روش توصیفی و استنباطی با نرم افزار SPSS تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان داد که دانشجویان درک فرصت‌های محیطی مرتبط با بازاریابی و مالی قوی و در زمینه‌های مربوط به مدیریت و اقتصاد ضعیف بوده‌اند. ۴۳ درصد دانشجویان رشته‌های هنر، معماری و اقتصاد تمایل به آموزش‌های کارآفرینی را ابراز داشته‌اند و ۱۴ درصد از آنها موفق به کارآفرینی در زمینه رشته خود شده بودند (لونبرگ و همکاران، ۲۰۰۶).

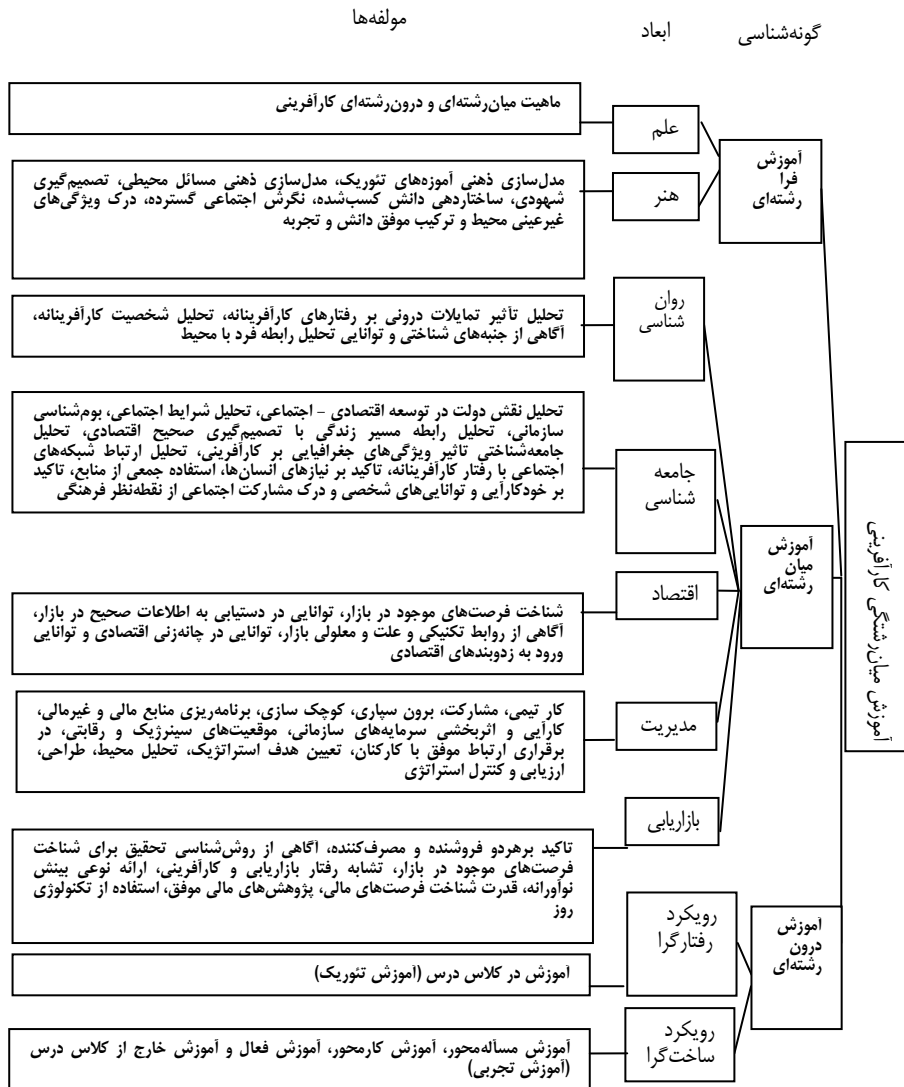
نتیجه‌گیری

کارآفرینی از یک موقعیت به موقعیت دیگر در حال تغییر است و این تغییر به دلیل ماهیت متغیر و چندوجهی (تئوریک، روان‌شناختی و مهارتی) آن است (هاینس و همکاران، ۲۰۱۱)، که به سبک‌های متفاوت آموزش کارآفرینی منجر شده است. برای آموزش کارآفرینی رویکردهایی مطرح شده که هر کدام سعی در رفع نواقص رویکرد قبلی داشته است. رویکرد رفتارگرا بر آموزش تئوریک کارآفرینی تأکید داشت. رویکرد ساختارگرا با هدف آموزش تجربی تلاش در رفع کاستی‌های رویکرد رفتارگرا به وجود آمد. برای هر رویکرد استراتژی‌ها و سبک‌های متفاوت وجود دارد

1. Levenburg et al

2. Grand Valley State

(گراوان و اُسنید، ۱۹۹۴) (سورهیم و راسماسن، ۲۰۰۶). در مقاله حاضر محققان با بررسی و تحلیل مطالعات تجربی پیشین در واکاوی و استخراج ماهیت میان‌رشته‌گی آموزش کارآفرینی سعی داشتند؛ از این رو، با انتخاب مطالعات تجربی و ارتباطیابی مفهومی میان نتایج تجربی حاصله در پی ارائه چارچوبی برای آن بوده‌اند که ماحصل آن چارچوب آموزش میان‌رشته‌گی کارآفرینی بوده است (شکل شماره ۵). رویکرد میان‌رشته‌گی آموزش کارآفرینی، علاوه بر داشتن هر دو جنبه تئوریک و تجربی، به دلیل تأکید زیادی که بر دو بعد شناختی علم و هنر (فرارشته‌ای) و ابعاد تحلیلی مدیریتی، جامعه‌شناختی، اقتصادی، بازاریابی و روان‌شناسی (میان‌رشته‌ای) و ترکیب روش‌های تجربی و تئوریک (درون‌رشته‌ای) دارد، مکمل دو رویکرد قبل در انتقال توانایی‌های کارآفرینانه به دانشجویان است. رویکرد میان‌رشته‌ای با ماهیتی هنری (هنونن و پوکجوک، ۲۰۰۶) از منظرهای علمی متفاوت، میان تجربه و دانش پل می‌زند و ذهن دانشجو را به فعالیت وا می‌دارد. رویکرد میان‌رشته‌گی به دلیل اهمیت زیادی که برای توانمندی دانشجویان در تحلیل محیط از منظر سایر رشته‌های علمی قائل است مورد توجه زیادی قرار گرفته است (جیک و اندرسون، ۱۹۹۹: ۱۱۹) (کارلند و کارلند، ۲۰۱۰: ۵۰).



شکل (۵) چهارچوب آموزش میان‌رشته‌ای کارآفرینی

پیشنهاد برای تحقیقات آتی

شناسایی چگونگی تأثیر رشته‌های دیگر بر کارآفرینی، تبیین میان‌رشته‌ای تأثیر خط‌مشی‌گذاری‌ها بر خلق فرصت‌های کارآفرینی، تحقیق در مورد نقش اساتید دانشگاه در آموزش میان‌رشته‌ای کارآفرینی، تبیین نقش راهبردی نظام آموزش عالی در آموزش میان‌رشته‌ای کارآفرینی و تدوین برنامه درسی آموزش میان‌رشته‌ای کارآفرینی.

منابع

- Abbott, Doug., et al (2006). Development and Presentation of the Interdisciplinary Course Petroleum Project Evaluation: Chicago, IL: American Society for Engineering Evaluation.
- Audit, josee (2001). *Evaluation of Two Pedagogical Approaches to Entrepreneurship Education Using an Intention-Based Model Of Venture Creation*, Universite du Quebec a Trois- Rivieres.
- Beck, Daniela (2008). *Context- based Social Entrepreneurship Education*, oikos Ph. D. academy, Entrepreneurial Strategies for Sustainability.
- Breneman, David W. (2005). *Entrepreneurship in Higher Education*, New Directions for Higher Education, No. 129, (3-9)
- Brockhaus, R. H., (1991). Entrepreneurship Education and Research Outside North America, *Entrepreneurship Theory and Practice*, Vol. 15, No. 3 (77-84).
- Carland, Joann C, Carland, James W. (2010). Entrepreneurship Education: Building for Yhe Future, *Journal Business and Entrepreneurship*, Vol. 22, No. 2, (40-59).
- Carter, Sara, Collinson, Elaine (1999). Entrepreneurship education: Alumni perceptions of the role of higher education institutions, *Journal of Small Business and Enterprise Development*, Vol. 6, No 3, (229-239).
- Cheng, Ming Yu, Chan, Wai Sei, Mahmood, Amir (2009). The effectiveness of entrepreneurship education in Malaysia, *education – Training*, Vol. 51 No. 7, (555-566).
- Clouse, Van. G., (1990). A Controlled Experiment Relating Entrepreneurial Education to Students' Start-Up Decisions, *Journal of Small Business Management*, Vol. 28, No. 2, (45-54).
- Collins, Lorna A., Smith, Alison J. and Hannon, Paul. D. (2006). Applying a Synergistic Learning Approach in Entrepreneurship Education, *Management Learning*, Vol. 37, No. 3, (335–354).
- Corbett, Anne (2007). Review of Universities and the Europe of Knowledge: Ideas, Institutions and Policy Entrepreneurship in European Union Higher Education Policy, 1955–1987, Basingstoke and New York: Palgrave Macmillan, *Higher Education Quarterly*, Vol. 61, No. 1, (103–105).
- Cox L., Mueller, (2003). The Impact of Entrepreneurship Education on Entrepreneurial Self-Efficacy. *International Journal of Entrepreneurship Education*, Vol. 1, No. 2. (25-52).
- Cranwell, Michele R., Kolodinsky, Jane M., Donnelly, Catherine W., Downing, Donald L., and Padilla-Zakour, Olga I. (2005). A Model Food Entrepreneur Assistance and Education Program: The Northeast Center for Food Entrepreneurship, *Journal of Food Science Eeucation*, Vol. 4, (56-65).

- D’Cruz, Carmo, Shaikh, Muzaffar, Shaw Wade (2006). *Taking Engineering Entrepreneurship Education to The Next Level with Systems Engineering Entrepreneurship at Florida Tech*, NCIIA, peer-reviewed papers.
- Den berg, Van den, Braun, Erick, Otgar, Alexander H. J. (2003). City And Entrprise: Corporat Cummunity Involvmenet In European Ans USA Cities, *Ntrepreneurship Education and Training*, Vol. 26, No. 12, (97-98).
- Dhliwayo, Shepherd (2008). Experiential learning in entrepreneurship education A prospective model for South African tertiary Institutions, *Education - Training*, Vol. 50 No. 4, (329-340).
- Diensberg C. (2008). *Entrepreneurship Training by Action Learning in a University Context: The Case of ROXI, HIE-RO*, University of Rostock, Rostock, Germany, van der Sijde et al. (eds.), Teaching Entrepreneurship.
- Dreisler p. (2008). Entrepreneurship: from opportunity to action: the entrepreneurial process, *Teaching Entrepreneurship*, Vol. 5, and No13. (13-37).
- Fayolle, Alain (2007). Handbook of Research in Entrepreneurship Education: Contextual Perspectives, Vol 2, Published by Edward Elgar Publishing, Cheltenham, UK, Northampton,
- Fayolle, Alain, Gailly, Benoit, Lassas-Clerc, Narjisse (2006). Assessing the impact of entrepreneurship education programmes: a new methodology, *Journal of European Industrial Training*, Vol. 30 No. 9, (701-720).
- Garavan, Thomas N. and O’Cinneide, Barra (1994). Entrepreneurship Education and Training Programmes: A Review and Evaluation – Part 1, *Journal of European Industrial Training*, Vol. 18, No. 8, (3-12).
- Garavan, Thomas N. and O’Cinneide, Barra (1994). Entrepreneurship Education and Training Programmes: A Review and Evaluation – Part 2, *Journal of European Industrial Training*, Vol. 18, No. 11, (13-21).
- Gundlach, Michael J., Zivnuska, Suzanne (2010). An Experiential Learning Approach To Teaching Social Entrepreneurship, Triple Bottom Line And Sustainability: Modifying And Extending Practical Organization Behavior Education (PROBE), *American Journal of Business Education*; Vol 3, No. 1, (19-28).
- Gürol, Yonca; Atsan, Nuray (2006). Entrepreneurial characteristics amongst university students: Some insights for Entrepreneurship Education Ana Training in Turkey, *Education & Training*; Vol. 48, No. 1, (25-38).

- Hamidi, Daniel Yar., Wennberg, Karl, Berglund, Henrik (2008). Creativity in entrepreneurship education, *Journal of Small Business and Enterprise Development*, Vol. 15, No. 2, (304-320).
- Harkema, Saskia J. M. & Henk Schout (2008). Incorporating Student-Centred Learning in Innovation and Entrepreneurship Education, *European Journal of Education*, Vol. 43, No. 4, (513-526).
- Heinonen, Jarna, Poikkijoki, Sari-Anne (2006). An entrepreneurial-directed approach to entrepreneurship education: mission impossible?, *Journal of Management Development*, Vol. 25, No. 1, (80-94).
- Henry, Colette, Hill, Frances and Leitch, Claire (2005). Entrepreneurship education and training: can entrepreneurship be taught? Part I, *Education -Training*, Vol. 47, No. 2, (98-111).
- Henry, Colette, Hill, Frances and Leitch, Claire (2005). Entrepreneurship education and training: can entrepreneurship be taught? Part II, *Education -Training*, Vol. 47, No. 3, (158-169).
- Herron, Lanny, Sapienza Harry J., Smith-Cook, Deborah (1991). Entrepreneurship Theory from an Interdisciplinary Perspective: Volume I, *Journal of Entrepreneurship Theory and Practice*, (7-12).
- Herron, Lanny, Sapienza Harry J., Smith-Cook, Deborah (1992). Entrepreneurship Theory from an Interdisciplinary Perspective: Volume II, *Journal of Entrepreneurship Theory And Practice*, (5-11).
- Hindle, Kevin, Cutting Neil (2002). Can Applied Entrepreneurship Education Enhance Job Satisfaction and Financial Performance? An Empirical Investigation in the Australian Pharmacy Profession, *Journal of Small Business Management*, Vol. 40, No. 2, (162-167).
- Hynes, Briga (1996). Entrepreneurship education and training – introducing entrepreneurship into non-business Disciplines, *Journal of European Industrial Training*, Vol. 20, No. 8, (10-17).
- Hynes, Briga, Costin, Yvonne, Birdthistle, Naomi (2011). Practice-based learning in entrepreneurship education: A means of connecting knowledge producers and users, *Higher Education, Skills and Work-based Learning*, Vol. 1 No. 1, (16-28).
- Ibrahim, A B; Soufani, K (2002). Entrepreneurship education and training in Canada: A critical assessment, *Education & Training*; Vol. 44, No. 8/9, (421-430).
- Jack, Sarah L. and Anderson, Alistair R. (1999). Entrepreneurship education within the enterprise culture: Producing reflective practitioners, *International Journal of Entrepreneurial Behaviour & Research*, Vol. 5, No. 3, (110-125).

- Janssen, Frank, Eeckhout, Valerie, Gailly Benoit, Bacq Sophie (2007). Interdisciplinarity in cross-campus entrepreneurship education, CRECIS, Paper presented at the University-Wide Entrepreneurship, *Education Conference at Wake Forest University*, Winston-Salem, North Carolina (USA).
- Jones, Colin., English, Jack (2003). *A Contemporary Approach to Entrepreneurship Education*, School of Management University of Tasmania and School of Business University of Canberra.
- Katz, Jerome A. (2008). Fully Mature but Not Fully Legitimate: A Different Perspective on the State of Entrepreneurship Education, *Journal of Small Business Management*, Vol. 46, No. 4, (550–566).
- Kierulff, Herbert E. (2005). Entrepreneurship Education in Poland: Findings From the Field, *Human Factors and Ergonomics in Manufacturing*, Vol. 15, No. 1, (93–98).
- Kourilsky, Marilyn L. (1995). *Entrepreneurship Education: Opportunity in search of curriculum*, Published in Business Education Forum,
- Krueger, Norris F. (2003). *The Cognitive Psychology of Entrepreneurship: Boise State University*, Techniset, Denton, Manchester.
- Kuratko, Donald F. (2005). *The Emergence of Entrepreneurship Education: Development, Trend and Challenges*, Baylor University Press.
- Leitch Claire M., Harrison, Richard T. (1999). A process model for entrepreneurship education and development, *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, Vol. 5 No. 3, (83-109).
- Levenburg, Nancy M., Paul M., Lane, Thomas V. Schwarz (2006). Interdisciplinary Dimensions in Entrepreneurship, *Journal of Education for Business*, (275-281).
- Linan, Francisco (2004). *Intention-based models of entrepreneurship education*, University of Seville, Spain.
- Mao, Huiyuan., Zhao, Xinliang., Wang, Zeping (2008). Mechanism Demand and Optimizing Research Of Entrepreneur Professionalism, *International Journal of Business And Management*, Vol. 3, No. 11. (252-2268).
- Matlay, Harry (2008). The impact of entrepreneurship education on entrepreneurial outcomes, *Journal of Small Business and Enterprise Development*, Vol. 15 No. 2, (382-396).
- McMulland, W. ED and Wayane A. Long (1987). Entrepreneurship Education in the nineties, *Journal of Business Venturing*, Vol. 2, (261-275).

- Okudan, Gul E., and Rzasa, Sarah E. (2006). A project-based approach to entrepreneurship leadership education, *Technovation*, Vol 26, No. 2, (195-210).
- Peterman, Nicole E., Kennedy, Jessica (2003). Enterprise Education: Influencing Students' Perceptions of Entrepreneurship, *Journal of Entrepreneurship Theory And Practice*, (129-144).
- Petkova, Antoaneta P. (2008). A theory of entrepreneurial learning from performance errors, *International Entrepreneurship Management Journal*, Vol. 75, No. 2.
- Rae, David (2000). Understanding entrepreneurial Learning: A Question of How?, *International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research*, Vol. 6, No. 3, (145-152).
- Rasmussen, Einar A., Sorheim, Roger (2006). Action-based entrepreneurship education, *Technovation*, Vol 26, (185-194).
- Seikkula-Leino, Jaane, Ruskovaara, Elena, Ikavalko, Markku and Mattila, Johanna and Rytkola, Tiina (2010). Promoting entrepreneurship education: the role of the teacher?, *Education - Training*, Vol. 52 No. 2, (117-127).
- Sewell, Peter and Dacre Pool, Lorraine (2010). Moving from conceptual ambiguity to operational clarity Employability, enterprise and entrepreneurship in higher education, *Education - Training* Vol. 52, No. 1, (89-94).
- Sexton, L., Upton, Nancy, Bowman (1987). Evaluation of an Innovative Approach to Teaching Entrepreneurship, *Journal of Small Business Management*; Vol. 25, No. 1; (35-48).
- Stean, Z. (2007). Modeling The Demands of Interdisciplinary: Toward a Framework For Evaluating Interdisciplinary Endeavors, *Integral Review*, No. 4.
- Taatila, Vesa P. (2010). Learning entrepreneurship in higher education, *Education - Training*, Vol. 52 No. 1, (48-61).
- Van der Sluis, Justin and van Praag, Mirjam and Jverberg, Wim VI (2008). Education and Entrepreneurship Selection and Performance: A Review of the empirical literature, *Journal of Economic Surveys*, Vol. 22, No. 5, (795-841).
- West, G. Page., Gatewood, Elizabeth J., Shaver, Kelly G. (2009). Handbook of University-wide Entrepreneurship Education: Published by Edward Elgar Publishing, Cheltenham, Northampton, USA.
- Wilson, Fiona, Kickul, Jill, Marlino, Deborah (2007). Gender, Entrepreneurial Self-Efficacy, and Entrepreneurial Career Intentions: Implications for Entrepreneurship Education, *Journal of Entrepreneurship Theory and Practice*, (387-406).